

«مطلع مهر» راهکارهایی برای انتخاب همسر

امیرعلوی

خبرنگار چار دیواری

کتاب «مطلع مهر» نوشته امیرحسین

بانکی پور کتابی شامل راهکارهای

جامع و کاربردی برای انتخاب همسر

است.

این کتاب در موضوعات مختلف مربوط به مراحل ازدواج، از تعیین ملاک‌ها تا خواستگاری، تعیین مهر، تحقیق و ... مجموعه‌ای از راهنمایی‌ها، سؤالات و اشکالات مختلف را ارائه کرده و به تناسب هر فصل رجوع جدی نیز به آیات و روایات داشته است.

نمودارهایی که خلاصه توضیحات هر فصل را در خود دارد، در انتها یا میانه فصل‌ها کاربرد این کتاب را برای هر فرد با هر درجه از معلومات و تحصیلات و اطلاعات در این حوزه خاص دوچندان کرده است.

«فوریت ازدواج» عنوان فصل نخست است که به مواردی چون وجوب ازدواج در شرایط کنونی، ضرورت تحصیل مقدمه واجب (برای عفاف و حفظ نسل)، وظیفه همگانی جهت تحصیل ازدواج و رفع موانع ازدواج (مصدق صد عن سبیل ...) می‌پردازد.

«احراز شرایط اولیه برای ازدواج» عنوان فصل بعدی است که به مواردی نظیر برنامه‌ریزی نه شتاب‌زدگی، مطالعات اولیه، تحصیل آمادگی برای ازدواج، شرایط لازم برای ازدواج، بلوغ اشد، رشد عقلانی، راه‌های احراز انواع دیگر بلوغ نظیر بلوغ عاطفی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی و ... طرح شده است.

«معیارهای انتخاب همسر» فصل بعدی است که با طرح مشکلات و پیچیدگی تعیین معیار، هدف از ازدواج، کفویت و همتایی و خودشناسی آغاز شده و ملاک‌هایی چون آرامش حقیقی در ازدواج، تطابق فرهنگی و احساس خوشایندی مطرح گردیده است. «آداب خواستگاری» عنوان فصل چهارم است که با طرح جایگاه عقل و قلب در انتخاب، دلدادگی و آشنایی‌های مستقیم آغاز شده و با شیوه برخورد با آشنایی‌های مستقیم، آشنایی از طریق چت، خواستگاری غیرمستقیم، نکاتی در مورد انواع خواستگاری رسمی و غیررسمی ادامه می‌یابد. سپس مجلس خواستگاری و نکاتی در مورد آداب خواستگاری طرح می‌شود. و در گام نهایی گفت‌وگو و چگونگی آغاز و استفاده از دیدگاه‌های خانواده پس از اولین جلسه مطرح می‌گردد. شیوه گفت‌وگوی دونفره و ارائه نکات عملیاتی برای آن از ویژگی‌های دیگر این فصل است. شناسایی از روی سؤالات فرد، شیوه سؤال کردن، تشخیص صداقت، حدود بیان اسرار زندگی در خواستگاری، نکات قابل توجه در مورد گفت‌وگوی خواستگاری، سؤالات گفت‌وگو و احکام و آداب خواستگاری در نگاه اهل بیت (ع) نیز بخش پایانی این فصل را شامل می‌شود. «ضرورت تحقیق در ازدواج» با ذکر زمان تحقیق، منابع تحقیق، خصوصیات محقق، شیوه تحقیق و نکات مهم در تحقیق نیز فصل پنجم کتاب را شکل می‌دهد. «تصمیم‌گیری» موضوع فصل ششم است که جایگاه قسمت در



ازدواج، توکل، جایگاه استخاره در ازدواج، مشاوره، شیوه ارزیابی ملاک‌ها، نکات پزشکی، دوری از شتاب‌زدگی، نکات اساسی در تصمیم‌گیری و دوری از ازدواج تحمیلی از نگاه روایات را در بر می‌گیرد. «نقش مهریه در ازدواج» عنوان فصل هفتم است که فلسفه مهریه، میزان مهریه، مهرالسنة، عوامل بالا رفتن مبلغ مهریه، احکام مهریه، مجلس مهریه برون و مهریه از نظر اهل بیت (ع) را در بر می‌گیرد. فصل هشتم و پایانی «بهترین انتخاب» است که به صورت فشرده تلاش کرده مباحث کتاب را مرور نماید.

آیا شخص در هر سن و سال، از نظر اسلام دارای شرایط ازدواج است؟

در فقه اسلامی محرز و مسلم است که برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست؛ یعنی یک پسر به صرف آن‌که عاقل و بالغ است، نمی‌تواند با دختری ازدواج کند، همچنان‌که برای دختر نیز عاقله بودن و رسیدن به سن بلوغ، دلیل کافی برای ازدواج نیست. علاوه بر بلوغ و علاوه بر عقل، «رشد» لازم است. عقل غیر از رشد است و مسأله دیگری است.

رشد در اصطلاح فقهی مربوط به اندام نیست، بلکه یک نوع کمال روحی است. مثلاً در مورد ازدواج، پسری که می‌خواهد ازدواج کند باید معنی و هدف و ارزش نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد؛ به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد؛ همچنان‌که دختر نیز برای انتخاب همسر باید رشد داشته باشد.

اگر بخواهیم کلمه رشد را به مفهوم عام خودش که شامل همه انواع رشد‌ها در همه موارد شود تعریف کنیم، باید بگوییم: رشد یعنی این‌که انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی که به او سپرده می‌شود را داشته باشد.

استاد مطهری، امداد‌های غیبی در زندگی بشر، ص ۳-۱۰۲، با تلخیص



آموزش و پرورش؛ چالش‌ها و آسیب‌ها

آموزش خصوصی حتی برای پایه‌های ابتدایی وجود نداشت و مهم‌تر از همه ملاک قبولی دانش‌آموز نمره بود و نه چیز دیگر، آب از آب تکان نمی‌خورد و همه در یک جهت و همسگام برمی‌داشتند تا پایان متوسطه و دانشگاه و «هر کس مزد آن می‌گرفت جان برادر که کار کرد». و آنهایی هم که اهل درس نبودند به هر دلیلی بستر کارشان فراهم بود.

نسل امروز که در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات روزگار می‌گذراند و در کسری از ثانیه حجم وسیعی از اخبار و آگاهی‌ها را از فضای مجازی می‌گیرد از صبح پشت میزهای مدرسه، مفاهیم صرفاً انتزاعی را به خودش می‌دهند که به جرات می‌توان گفت در آینده کاری او به کارش نمی‌آید.

باید ببینیم که کودک امروزی کودک دهه ۴۰، ۵۰، ۶۰ و حتی قبل‌تر از آن نیست و پیوسته اطلاعات گسترده‌ای در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روان‌شناسی و ... می‌گیرد. پیر بیراهه نگفته‌ایم که هر دانش‌آموز و حتی کودک امروزی خود اقتصاددان، عالم و سیاست‌گذار است. کودک امروزی انسانی منفعل نیست که اطلاعات دسته‌بندی شده را در چارچوب کتاب‌هایی مدون و قطور بیاموزد یا ببیند و با باری از کتاب هر روز روانه مدرسه شود. دنیای امروزی برایش دنیای سرعت، تکاپو و جهش است آن هم با سبک‌بالی و در کمترین زمان، او در دنیایی سیر می‌کند که برای هر چیزی تحلیلی دارد و به هر موضوعی نگاهی خاص، آیا می‌توان او را در چارچوبی مقید و پایبند کرد؟ البته همیشه استثنائاتی وجود دارد که بر کسی پوشیده نیست.

آیا زمان آن نرسیده که در اساننامه آموزشی ما بازنگری جدی صورت گیرد و چاره‌ای بکر اندیشیده شود تا شاهد بی‌شمار دانش‌آموز صرفاً مدرک به‌دستی که بدون هیچ گونه مهارت و شایستگی و صرفاً به دلیل داشتن مدرک علمی، البته اگر بتوان گفت علمی! بیکار و خیابان پرکن نباشیم؟ آیا بهتر نیست به جای سوم راهنمایی به همان دوره اول دبیرستان، دانش‌آموز از پایه سوم ابتدایی جهت دهی و هدایت شود؟ آیا وقت آن نرسیده که برای سه ماه تعطیلی دانش‌آموزان برنامه‌ریزی اصولی و مدون زیر نظر مدرسه صورت پذیرد تا دانش‌آموز از فضای مدرسه به کل منفک نشود و مهارتی بر پایه استعدادش بیاموزد و پیشتر آینده شغلی خود را تضمین کند؟ شواهد و خروجی نظام آموزشی ما نشان می‌دهد که اساننامه وزارت آموزش و پرورش باید با توجه به مقتضیات جامعه کنونی، به‌روزرسانی شود و باید تولیدی دیگر صورت پذیرد از جنس درک دانش‌آموزان امروزی، ایجاد فرصت‌های مهارتی، شناخت استعدادها و توانمندی‌ها، با هدایت و رهبری افرادی از همین جنس، همین نسل، با همین درک و همین فهم



فرزان بهرامی

خبرنگار چار دیواری

آموزش و پرورش، رکن اساسی در تربیت نسل

نوپا، نوجوان و جوان جامعه است و رسالت

خطیری در هر جامعه‌ای بر عهده دارد به

گونه‌ای که در تمام جوامع بشری برای آن ارزش و منزلتی قائل بوده‌اند و تلاش شده که نظام آموزشی در چارچوب فرهنگ، آداب و پیشینه آن جامعه شکل گیرد و به هدف اصلی خود که تربیت فرزندان سالم و سازنده بوده، دست یابد. اما آیا نظام آموزشی کشور ما توانسته به این مهم دست یابد؟ اگر نه به چه علت و چه چالش‌هایی پیش روی نظام آموزشی ماست که بیش از آن که فرصت‌ساز باشد فرصت‌سوز است؟

نه تنها در کشورهای اروپایی که در کشورهای جنوب شرق آسیا، مبنای آموزش بر اساس شکوفایی استعداد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان است و نظام آموزشی صرفاً به این منظور پایه‌گذاری شده است و دست‌اندرکاران و مسئولان تکلیف و وظیفه خود می‌دانند برای نیل به این مقصود برنامه‌ریزی کنند و نتیجه هم آن می‌شود که همه می‌بینیم؛ جوانانی به راستی تلاشگر، هدفمند، خلاق، با درک مفاهیم آموزشی، چرخه اقتصاد و سیاست جامعه را در دست می‌گیرند و قدم در راه شکوفایی کشور خود می‌گذارند اما آیا نظام آموزشی ما توانسته است موفق عمل کند؟ اگر جواب آری است پس جمعیت فارغ‌التحصیل مقطع دبیرم پشت‌درهای بسته کنکور، سرخوردگی، انزوا و بی‌انگیزگی و بیکاری نشان چیست جز این که نظام آموزشی ما با چالش‌های اساسی روبه‌روست؟

در زمانی که چندان دور که فضای جامعه یک‌دست و یکپارچه بود و همه افراد به نوعی در یک سطح علمی و آموزشی قرار داشتند و تفکیک مدارس به اسم دولتی، هیأت امنایی، نمونه دولتی و تیزهوشان نبود و کلاس‌های